

اقوال، معانی و تأویلات حروف مقطعه از نگاه مفسرین^۱

محمد امین عظیمی^۲

چکیده

ابتدای بیست و نه سوره قرآن با یک یا چند حرف از حروف الفبا آغاز شده، که مشهورترین نام آنها حروف مقطعه می باشد در بحث حروف مقطعه، مباحث ارزشمندی از قبیل؛ چرایی صدور این حروف از سوی خداوند، نحوه قرائت، تعداد، ارتباط معنایی آن با آیات پس از خود، مطرح می باشد.

به دلیل رمز آلود بودن این حروف، و به جهت رازگشایی از این حروف، تأویلات و تفسیر های مختلفی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: اعاده معدوم، معاد، معاد جسمانی، تکرر وجود، وجود.

۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۴/۱۷ _ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۲۱

۲ دانش پژوه دوره کارشناسی کلام اسلامی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، مشهد مقدس

مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، طبیعی است که مثل هر اثر مکتوب دیگر، دارای زبان، ساختار، سبک نگارش، مخاطبان و پیام خاصی باشد. ولی این معجزه بزرگ آسمانی، از جنبه های مختلفی با آثار و دست نوشته های عادی که به دست ناتوان و فکر قاصر بشر پدید آمده اند، قابل مقایسه نمی باشد. وجود یک یا چند حرف صامت، لب فرو بسته، رمز آلود و اسرار آمیز در ابتدای برخی از سوره های قرآن، می تواند یکی از همین جنبه ها باشد. این حروف که با حذف موارد تکراری، چهارده حرف (نصف حروف عربی)، می شوند، در میان دانشمندان به «حروف مقطعه» شهرت پیدا کرده اند. (حفنی، ۲۰۰۴ق، ج ۱: ۳۷؛ سبحانی، ۱۳۷۸ش: ۵۸). حروف نامبرده در کتابت سرهم نوشته و موقع خواندن، جدا و بریده از هم خوانده می شوند. این حروف، عبارتند از: « ا ح س ص ط ع ق ک ل م ن ه ر»

براستی این حروف چه ویژگی هایی دارند؟ آیا می توان لبان فروبست و آن ها را به مدد شیوه های های تفسیری گشود یاخیر؟ به عبارت دیگر: این حروف اسرار آمیز، حامل چه پیام های می باشند؟ و آیا پیام آن ها برای ما نیز قابل درک و فهم می باشند یا نه؟ بنابراین، این نگارش حول سه مطلب خواهد چرخید. ویژگی های این حروف، آرا و نظریات تفسیری موجود و نقد و بررسی هر یک از آن ها.

الف- ویژگی های حروف مقطعه

برخی از مفسرین برای حروف مقطعه ویژگی های را برشمرده اند که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱- این حروف در منابع مختلف به اسامی گوناگونی، از مثل: «حروف النورانی، حروف المجهوله، حروف التهجی، فواتح القرآن، فواتح یفتح بها القرآن، فواتح السور، مفاتیح السور، مفتوح بها السور، فاتحة السور، اوائل السور، حروف المعجم فی اوائل السور، حروف المختزله، حروف المقطوعه و حروف المقطعه» یاد شده اند.

۲- استفاده از سبک رمزنگاری در بهره گیری از حروف بریده و غیر مرکب از مختصات قرآن کریم است و در سایر کتابهای آسمانی مانند تورات و انجیل دیده نمی شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۶).

۳- سخن گفتن خداوند با پیامبرش اختصاص به قبل یا بعد از هجرت

نداشته است. زیرا حروف مقطعه چنان که در بیست و هفت سوره مکی آمده، در دو سوره مدنی نیز آمده اند.

۴- بیست و نه سوره ای دارای حروف مقطعه به ترتیب، عبارتند از سوره های: «بقره، آل عمران، اعراف، یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم، حجر، مریم، طه، شعراء، نمل، قصص، عنکبوت، روم، لقمان، سجده، یس، ص، غافر، فصلت، شوری، زحرف، دخان، جائیه، احقاف، ق و قلم».

۵- حروف مقطعه از لحاظ اجزای تشکیل دهنده، بیش از پنج قسم نیست؛ زیرا برخی یک حرفی (أحادیه)، مانند ص، ن و ق و برخی دو حرفی (ثنائیه)؛ مانند: طس، یس، طه و حم و برخی سه حرفی (ثلاثیه)؛ مانند: الم، الراء و طسم و برخی چهار حرفی (رباعیه) مانند: المص و المر و برخی پنج حرفی (خماسیه)؛ مانند: کهیعض و حم عسق بوده و نوع دیگری دیده نشده است. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶: ۲۵؛ ارمی علوی، ۱۴۲۶، ج ۱: ۱۰۲)

۶- براساس مذهب کوفیین برخی از حروف مقطعه در شمارش آیات، یک آیه محسوب شده اند؛ مانند الم، المص، کهیعض، طه، طسم، یس و حم. برخی از آن ها، دو آیه به حساب آمده اند مانند: حم عسق، و در سایر موارد آیه مستقل به شمار نرفته، بلکه جزئی از اولین آیه در سوره شمرده شده است؛ مانند: الر، المر، طس، ص و ق. بنا براین، از این جهت حروف مقطعه به سه بخش تقسیم می شوند. اما در مذهب دیگران هیچ یک، به عنوان آیه شناخته نشده اند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۳۱؛ ابو حیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ۶۱). نتیجه عملی و فقهی این مطلب، در عباداتی چون نماز آیات، ملموس تر می باشد.

۷- برخی از این حروف اصلاً تکرار نشده، مانند ن و ق؛ بعضی از آن ها دوبار تکرار شده؛ مانند ص که در سوره ص به طور مستقل ذکر شده و در سوره اعراف جزو «المص» قرار گرفته. برخی از آن ها شش بار تکرار شده، مانند «الم» و بعضی از آن ها هفت بار تکرار شده؛ مانند «حم» و آن سوره های هفتگانه به «حوامیم سبعة» مشهور است. پس از این جهت حروف مقطعه به چهار بخش قابل تقسیم اند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۸).

۸- در ابتدای همه سوره هایی که با حروف مقطعه آغاز می شوند، به استثنای سوره های مریم، عنکبوت، روم و قلم، پس از ذکر آن ها، واژه کتاب یا قرآن و در متن آن ها سخن از وحی و عظمت قرآن است. بلکه آن چهار سوره نیز به نحوی همان سخنان مطرح است. زیرا در سوره «قلم» آیاتی مانند «ما انت بنعمه ربك بمجنون» آمده است و در سوره مریم، سرگذشت بسیاری

از پیامبران، مانند یحیی و عیسی مطرح شده است. پس محور این سوره نیز نبوت عامه و برخی از نبوت های خاصه است؛ چنانکه عصاره سوره عنکبوت و روم نیز وحی و نبوت و مسئله اعجاز است. در نتیجه: یکی از مطالب مشترک بین سوره های دارای حروف مقطعه، ویژگی های قرآن کریم، نبوت و رسالت انبیای عظام است.

۹- بین حروف مقطعه هر سوره با محتوای آن ارتباط خاصی دیده می شود. یعنی همه سوره هایی که با حروف مقطعه همگون آغاز شده اند، در خطوط کلی مضامین نیز همگون هستند؛ بعنوان مثال، هفت سوره ای که با «حم» آغاز گشته اند (حوامیم سبعة) در همه آن ها حرف از وحی، رسالت و عظمت قرآن کریم به میان آمده است. همچنین سوره هایی که با «الم» شروع شده اند، در آغاز خود همه سخن از «نفی ریب» از قرآن می کنند. بر همین اساس، سوره ای که به تنهایی دارای مجموع حروف مقطعه دو سوره دیگر است، به تنهایی جامع محتوای آن دو سوره نیز هست، مانند سوره اعراف که با «المص» شروع می شود و جامع معارف سوره هایی است که با «الم و ص» آغاز گردیده اند و سوره رعد که با «المر» شروع شده است و جامع معارف سوره هایی است که با «الم و ال» افتتاح گردیده اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۸؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۱۰۱؛ جوادی آملی، بیتا، ج ۲: ۱۸۷).

۱۰- به مدد ترکیب حروف مورد بحث، جمله های معنا داری را می توان درست کرد. چنان که در منابع معتبر دیده می شود که برخی از بزرگان با اشاره به بعضی مسائل و باورهای اعتقادی، چنین اقدامی را کرده اند، از قبیل: «علی صراط حق نمسکه»، «صراط حق علی نمسکه»، «صراط علی حق نمسکه»، «صراط علی حق نمسکه»، «صح طریقك مع السنه»، «طرق سمعك النصيحة»، «نص حکیم قاطع له سر» (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۰۷، مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۵: ۳۴۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۷۱، جوان آراسته، بیتا، نکته ۲۵: ۱۹۶).

ویژگی های بسیاری را برای حروف موضوع بحث برشمرده اند، ولی نویسندگان از نقل همه یا اکثر آن ها در این تحقیق معذور می باشد، علاقمندان گرامی را به منابع مربوطه، از جمله: به «تفسیر تسنیم» اثر وزین استاد جوادی آملی ارجاع می دهیم.

ب- معنا پذیری این حروف

حروف مقطعه به دلیل ظاهر متفاوتش، با سایر حروف و کلمات قرآن کریم، گویا و قابل تفسیر نبوده، کسی به فهم و درک عمق آن ها قادر نمی‌باشد، کلید های تفسیری و روش های مفسرین نیز هیچگاه به گشودن قفل بسته این حروف صامت و ساکت، چاره ساز نخواهد بود و یا این که این ها همچون دیگر کلمات کتاب آسمانی، تفسیر پذیر بوده و می توان از آن ها چیزهای فهمید؟ در این صورت مفهوم و محتوای حروف مورد نظر چه هستند؟ اقوال و نظراتی از سوی قرآن پژوهان ابراز شده است. در این جا نخست به دو قول عمده و سپس به اقوالی که از اعتقاد به تفسیر پذیری این حروف یاد شده است، اشاره خواهیم کرد.

۱- این حروف تفسیر ناپذیراند

برخی از مفسرین براین باوراند که حروف مقطعه سرّی از اسرار الهی و رمزی بین خدا و پیامبرش بوده است، بنابراین، برای دیگران، غیر قابل فهم و تبیین می باشند. فخر رازی مفسر بزرگ اهل سنت، هنگامی که به نخستین مورد از حروف مقطعه که در سوره بقره واقع شده است، می رسد؛ ضمن بیان نظرات مفسرین، می گوید: «در معنی «الم» و امثال آن، دو قول است. بعد قول نخست را چنین بیان کرده است: «أن هذا علم مستور و سر محجوب...». قول نخست این که دانش این حروف بر ما مستور و اسرار آن بر ما پوشیده است. کسی جز خدا بر حقیقت آن واقف نمی باشد. در ادامه به نقل از خلیفه اوّل گفته است: «لله في كل كتاب سر و سره في القرآن أوائل السور» چنان که از امیر المومنین علی علیه السلام نیز روایت نقل کرده که فرمود: «إن لكل كتاب صفة و صفة هذا الكتاب حروف التهجي». (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۲۵۰).

در برخی دیگر از تفاسیر اهل سنت و اندکی از تفسیرهای شیعه نیز چنین برداشت و نظری مشاهده می شود. از آن جمله آلوسی گفته: «والذي يغلب على الظن أن تحقيق ذلك علم مستور و سر محجوب عجزت العلماء عن إدراكه و قصرت خيول الخيال عن لحاقه، و لهذا قال الصديق رضي الله تعالى عنه: «لكل كتاب سر و سر القرآن أوائل السور، و قال الشعبي: سر الله تعالى فلا تطلبوه» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۰۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۶۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۸) در یک کلام باید گفت: «الحروف المقطعة من المكتوم الذي لا يفتر» (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۳۴). در نتیجه: این که برخی از مفسران بر این باور اند که

حروف محلّ بحث، چون سرّی از اسرار الهی هستند، برای کسی قابل فهم و درک نیست و ما نیز حق تفسیر آن‌ها را نداریم، بلکه موظف به رعایت ظاهر آن‌ها هستیم و باطن‌شان را به خداوند واگذار نماییم.

۲- این حروف تفسیر پذیراند

در مقابل گروه فوق، برخی دیگر از مفسرین برآنند که هرچند این حروف سرّی از اسرار الهی و رمزی از رموز کتاب آسمانی ماست، اما در عین حال، پیامبر خدا به عنوان حامل اسرار نبوت و امین وحی الهی، و نیز اولیاء و ائمه قادر به فهم محتوا و پیام آن‌ها می‌باشند.

چنان که فخررازی تحت عنوان قول دوم، منظور از این حروف را روشن شمرد و در این خصوص چنین اظهار داشته است: «قول من زعم أن المراد من هذه الفواتح معلوم؛ یعنی قول دوم مربوط به کسانی است که گمان کرده‌اند منظور فواتح سور معلوم است». (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ۲۵۲). همچنین علامه بلاغی در تفسیر حروف مقطعه تصریح نموده است که: «علم معناها عند الله ورسوله و مستودعی علمه و أمنائه علی وحیه» (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ۶۴).

سمرقندی نیز با اشاره به قابل فهم بودن مضمون حروف مورد نظر، ذیل همین حروف در سوره بقره، از محمد بن کعب بن علی ترمذی نقل می‌کند که وی چنین روایت کرده است: «إن الله تعالى أودع جميع ما في تلك السورة من الأحكام والقصاص في الحروف التي ذكرها في أول السورة، ولا يعرف ذلك إلا نبي أو ولي، ثم بين ذلك في جميع السور ليفقه الناس؛ یعنی خداوند همه چیزهای که در این سوره [بقره] آمده است اعم از احکام و قصه‌ها را در سه حرفی نهفته داشته که در ابتدای آن ذکر نموده است. این مطلب را جز نبی یا ولی کسانی دیگر نمی‌شناسند». (سمرقندی، بیتا، ج ۱: ۲۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ۲، ذیل سوره اعراف).

در هر حال، برداشت دیگر از خروف مورد بحث، آن است که مفهوم آن‌ها برای غیر خداوند و همچنین برای غیر انبیا و اولیاء، قابل درک و فهم می‌باشد. بنابراین، مفسرین در موقع عبور از آن‌ها، این حق را دارند که درباره محتویات آن‌ها اظهار نظر نمایند. براساس دیدگاه که قفل حروف مقطعه با کلیدهای تفسیری گشودنی می‌باشد، این پرسش رخ می‌نماید که معنای این حروف چیست؟ در پاسخ به سؤال فوق اقوال و نظریات، گوناگونی ذکر شده است، که در بخش بعدی مطرح خواهد شد.

ج- معنای حروف مقطعه چیست؟

معانی و تأویلات مختلفی برای حروف مقطعه بیان شده است که اقوال و نظریات گوناگونی در این خصوص در تفاسیر فریقین دیده می شود. چنان که عیاشی در تفسیرش (۲: ۲) سی قول؛ فخررازی در مفاتیح الغیب (۲: ۲۵۵) بیست و یک قول؛ جوادی آملی در تسنیم (۲: ۱۸۷) بیست رأی؛ ابن عطیه در المحرر الوجیز (۱: ۸۲)، دوازده قول؛ علامه در المیزان (۷: ۱۸) یازده قول؛ طبرسی در مجمع البیان (۱: ۱۱۳) ده قول؛ شیخ طوسی در تیبیان (۱: ۴۸) هشت قول؛ محمد بن محمد ماتریدی در تأویلات اهل السنه (۳۷۱) نیز هشت قول؛ ابن جوزی در زادالمسیر (۱: ۲۵) شش قول و در نهایت علامه سید محمد حسین فضل الله، در من وحی القرآن (۱: ۱۰۲) چهار رأی در این زمینه معرفی و بیان نموده است. همانگونه که مشاهده می شود معانی بسیاری برای این چهارده حرف در نظر گرفته شده است که در این جا به نقل و شرح برخی از آن ها می پردازیم:

از جمله معانی و تأویلاتی که از سوی مفسرین برای حروف مزبور در نظر گرفته شده اند، موارد زیر می باشند: از اسمای اعظم و حسنای الهی؛ اسم ذات؛ اسم صفات؛ صفات ذات؛ صفات افعال؛ نام پیامبر؛ نام فرشته؛ نام قرآن؛ نام سوره؛ برای تحدی؛ برای تنبیه؛ برای تسکیت؛ برای تشبیب؛ برای مدح؛ حروف متشابه؛ حروف رمز؛ حروف اشاره؛ حروف تهجی؛ حروف مختزله؛ حروف قسم؛ حروف اختبار؛ حروف و نشانه برای ختم و آغاز کلام؛ فواتح سوره؛ و...

۱- نام سوره

یکی از معانی که اغلب مفسرین متذکر شده اند، این که این حروف نامی برای سوره های هستند که با آن ها شروع شده اند. چنانکه زمخشری در پاسخ این که چرا ابتدای برخی از سوره ها با این حروف آغاز شده، گفته است: «و علیه إطباق الأکثر: أنها أسماء السور» (زمخشری، ۱۷۴۱ق، ج ۱: ۲۱).

فخررازی در ابتدای بیان نظرات مفسرین ضمن تأیید نظریه بالا، افزوده است: «وهو قول أكثر المتکلمین و اختیار الخلیل و سیبویه» (زمخشری، ۱۷۲۰ق، ج ۲: ۲۵۳). و در پایان نیز آن را مختار اکثر محققین دانسته است: «و المختار عند أكثر المحققین من هذه الأقوال أنها أسماء السور» (همان: ۲۵۵)

علامه طباطبایی نیز در «المیزان» به این معنا اشاره دارد: «أن کلامها اسم

للسورة التي وقعت في مفتحتها؛ یعنی هریک از حروف مقطعه نام سوره ای است که آنها در افتتاح و آغاز آن قرار گرفته است. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۶۹) هر چند که نظر خود علامه چنین نیست. زیرا آن بزرگوار در ختم بیاناتش درباره معانی تأویلات حروف مورد بحث، این گونه اظهار می نماید: «والحق أن شيئاً من هذه الأقوال لا تطمئن إليه النفس». (همان: ۷).

۲- حروف تحدی

جمعی از مفسرین معتقدند که این حروف نورانی برای تحدی و مبارزه طلبی رسول خدا در مقابل کفار نازل شده است. یعنی خداوند از مشرکان خواسته است که اگر اعتقاد به آسمانی بودن قرآن و رسالت او ندارند، باید بتوانند مانند آن، یا ده سوره یا یک سوره یا حتی یک آیه بیاورند. و چون منکران رسالت از پاسخ چنین درخواستی عاجز ماندند، خداوند این حروف را نازل نمود، تا برای مخالفان ثابت نماید که قرآن کریم از حروفی تشکیل شده است که در اختیار آنان نیز قرار دارد. ایشان با قوانین فصاحت و بلاغت نیز آشنا بوده و قادر به ایجاد متون فصیح و بلیغ نیز می باشند، اما از خلق اثری چون قرآن ناتوانند. در نتیجه معلوم می شود که قرآن یک معجزه الهی است نه ساخته و پرداخته فکر و مغز انسان امی چون پیامبر اکرم. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱: ۱۱۳؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۲۵۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۶۳).

علامه فضل الله، پس از بیان آرای چهار گانه مورد نظر خویش، این معنی را بعنوان رأی چهارم انتخاب کرده و گفته است؛ «شاید چنین تحدی رساترین نوع تحدی و نزدیکترین تفسیر به فهم و درک انسان باشد، چنانکه پیشوای یازدهم نیز فرموده اند: «ولعل هذا من أبلغ أنواع التحدي... وقد يكون هذا التفسير أقرب التفاسير إلى الفهم، وينسب إلى الإمام الحادي عشر من أئمة أهل البيت عليه السلام الإمام الحسن العسكري عليه السلام» (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۱۰۲).

در هر صورت بر اساس قاعده تحدی، این حروفی موجود در کتاب آسمانی تمام سخنوران عرب و غیر عرب را متحیر ساخته و دانشمندان را از معارضة با آن عاجز نموده است، از نمونه همین حروفی است که در اختیار همگان قرار دارد در عین اینکه قرآن از همان حروف و امثال آن نیز از کلمات معمولی ترکیب یافته، به قدری کلمات آن موزون است و معانی بزرگی در بر دارد، که در اعماق دل و جان انسان نفوذ می کند، روح را مملو از اعجاب و تحسین

می‌سازد، افکار و عقول را در برابر خود وادار به تعظیم می‌نماید. جمله‌بندیها و کلمات زیبای آن در بلندترین پایه فصاحت و بلاغت قرار گرفته و معانی بلند را در قالب زیباترین الفاظ ریخته، که در جهان همانند و نظیر ندارد.

۳- حروف قسم

در میان معانی که برای حروف فواتح سور نقل شده است، سخن از قسم نیز در میان آمده است. یعنی این حروف سوگندهایی هستند که خداوند یاد کرده است و خداوند به این حرف سوگند می‌خورد بری اینکه قرآن کلام او است. مثل سایر حروف قسم که در ادبیات عرب معروف و مشهوراند و در قرآن کریم در موارد متعددی از آن‌ها استفاده شده است. برخی از مفسرین به این معنا نیز اشاره کرده‌اند (ابن قتیبه، بیتا، ۱۸۳ و ۱۸۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۷).

همان‌طور که مرحوم طبرسی از ابن عباس نقل کرده است که این حروف، قسم‌های قرآن هستند و «اخفش» نیز گفته است:

«عَلَّتْ اَیْنِکَ خَدَاوَنَد بَا اَیْنِ حُرُوفِ سَوَکِنَد مِیْخُورَد؛ شَرَاَفَت و بَرْتَرِی اَن هَا اَسْت. زَیْرَا هَمِیْن حُرُوفِ شَالُوْدَه و پَایَه هَمَه جَمْلَه بَنَدِی هَا دَر کِتَابِ هَا ی اَسْمَانِی اَسْت کِه بَه زَبَانِ هَا ی مَخْتَلَف بَیَان شَدَه اَسْت و نِیْز اَسْمِ هَا ی اَلْهَی و سَخْن گُورِی مَرْدَم، هَمَه و هَمَه بَر پَایَه ی هَمِیْن حُرُوف اَسْت و اَز تَرْکِیْب مَخْتَلَف هَمِیْن حُرُوف اَسْت کِه مَرْدَم بَا هَم سَخْن مِی گُورِیْنَد و بَه ذَکْر و تَوْحِیْد و ثَنَائِ حَق مِی پَر دَا زَنَد و خَلْدَا بَا اَیْن حُرُوف قَسْم خُورْدَه اَسْت کِه قُرْآن کِتَاب و کَلَام اَوَسْت». (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱: ۱۱۳).

بعضی از مفسرین مثل «محمد ماتریدی» و «ابن عجبیه» تحدی را معنای اصلی این حروف شمرده‌اند. چنانکه «ابن عجبیه» با تعبیر زیبای تنها به همین معنا از میان معانی متعدد این حروف اشاره کرده و گفته است: «وَأَقْرَب مَا فِيهَا أَنَّهُمْ أَشْيَاءُ أَقْسَمَ اللَّهُ بِهَا لَشَرْفِهَا» (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۷۱؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق: ۳۷۱).

بنابراین، می‌توان گفت نه تنها حرفی که نحویین به عنوان ادات قسم معرفی کرده‌اند، بلکه حرفی دیگری نیز هستند که مفهوم سوگند را افاده می‌نمایند و آن‌ها عبارتند از همین حروف فواتح سور.

۴- اسمای حسنی و عظمی الهی

بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی، بر این باور هستند که حروف مقطوعه در اوائل برخی از سوره های قرآن کریم، اسمی از اسمای حسنی الهی یا بخشی از این نام ها می باشند. کما این که از حضرت صادق علیه السلام نیز روایت شده است که در تفسیر (الم) فرمود: «هو حرف من حروف اسم الله الأعظم المقطع في القرآن الذي يؤلفه النبي صلى الله عليه وآله أو الامام فإذا دعا به أجيب؛ یعنی الم حرفی از حروف اسم اعظم خدا است که به صورت بریده در قرآن وارد شده است، پیامبر یا امام می تواند آن ها را گرد هم آورد. با این حروف دعا به هدف اجابت می رسد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۹۰).

جلال الدین سیوطی هم از «سدی» به نقل از «ابو شیخ» و «بیهقی» آورده است که به صورت قاطع گفته اند: «همه ی حروف فواتح سور در زمره نام های خدا و اسمای حسنی و اعظم الهی به شمار می روند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۳).

در این صورت، با پذیرش چنین دیدگاهی، تکلیف همه ی ما روشن خواهد بود. به خاطر این که دیگر جای برای بحث و تحلیل و نقل اقوال مفسران، باقی نخواهد ماند. بلکه با بحث از محتوا و خواص اسمای اعظم خداوند، فلسفه نزول این حروف نیز روشن خواهد شد.

۵- حروف علامت و اشاره

برخی چیزها در عالم به عنوان نشانه و علامت برای چیزهای دیگر شناخته می شوند یا از وجود آن ها امور خاصی به ذهن انسان خطور می نماید. از قبیل چراغ قرمز برای اشاره به وجود خطر، ابر سیاه برای فرود آمدن باران، فصل زمستان برای فرارسیدن سرما و یخبندان، تبعیض و تعصب برای نزول و سقوط اخلاق، عدالت برای شکوفایی و ترقی، صلح برای آرامش و زندگی، فواتح سور نیز اشاره و دلالت هستند برای برخی از افعال یا صفات خاصه خداوند.

از ابن عباس نقل شده است که در تفسیر «الم» گفته است: «الف اشاره به احد، اول، آخر، ازلی، ابدی، و لام اشاره به لطیف، و میم اشاره به ملک، مجید، منان بودن خدای بزرگ دارد». یا در تفسیر «کهیعص» فرموده است: «کاف بر افی، هاء بر هادی، و عین بر عالم و صاد هم دلالت بر صادق بودن ذات باری تعالی دارند» و یا اینکه: «کاف بر کبیر و کریم، و عین بر عزیز و عدل

الهی دلالت دارند. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۲۵۳).

و برخی نیز بر این باوراند که هریک از حروف مقطعه، به اسم خاصی دلالت دارند. از باب نمونه: «الف اشاره به الله، و لام اشاره به جبرئیل و میم نیز اشاره به محمد می باشد». در نتیجه محتوای «الم» چنین خواهد بود: «أنزل الله الكتاب على لسان جبريل إلى محمد صلى الله عليه وسلم» (همان).

نتیجه

در زمینه حروف مقطعه، مطالب بسیاری وجود دارد، اما به همین مقدار اکتفا می شود. در پایان نظر خواننده گرامی را به عنوان نتیجه بحث، به این حقیقت جلب می کنیم و آن این که معنای و محتوی این حروف هرچه می خواهد باشد، ولی دانش و معارف بسیاری در دل آن ها نهفته می است. چنانکه حضرت صادق علیه السلام به ابالبید فرمود: «یا ابالبید! إن فی حروف القرآن المقطعة لعلمما جما» (بحرانی، بیتا، ج ۲: ۱۱۸).

منابع

- ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، (١٤٢٢ق) زاد المسير فى علم التفسير، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، بيروت، دارالكتاب العربى.
- ابن عجيبة، احمد بن محمد، (١٤١٩ق) البحر المديد فى تفسير القرآن المجيد، تحقيق: احمد عبدالله قرشى رسلان، دكتور حسن عباسى زكى، قاهره، بينا.
- ابن عطيه اندلسى، عبدالحق بن غالب، (١٤٢٢ق) (المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، تحقيق: عبدالسلام عبدالشافى محمد، بيروت، دارالكتب العلميه.
- ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، (بيتا) تأويل مشكل القرآن، تحقيق: ابراهيم شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلميه.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، (١٤١٩ق) (تفسير قرآن العظيم، تحقيق: محمد حسين شمس الدين، بيروت، دارالكتب العلميه.
- ابو حيان، محمد بن يوسف، (١٤٢٠ق) (البحر المحيط فى التفسير، تحقيق: صدقى محمد جميل، بيروت، دارالفكر.
- ارمى علوى، محمد امين بن عبدالله، (١٤٢٦ق)، تفسير حدائق الروح والريحان فى روايى علوم القرآن، تحقيق: هاشم بن محمد على مهدي، بيروت، دار طوق النجاء.
- آلوسى، سيد محمود، (١٤١٥ق) (روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، تحقيق: على عبدالبارى عطيه، بيروت، دارالكتب العلميه.
- بغوى، حسين مسعود، (١٤٢٠ق) (معالم التنزيل فى تفسير القرآن، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، بيروت، داراحياء التراث العربى.
- بلاغى نجفى، محمد جواد، (١٤٢٠ق) (آلاء الرحمن، تحقيق: واحد تحقيقات اسلامى بنياد بعثت، قم، بنياد بعثت.
- جوادى آملى، عبدالله، (بيتا) تفسير تسنيم، واقع در نرم افزار مكتب شامله، سرى جديد.
- جوان آراسته، حسين، بيتا، درسنامه علوم قرآنى سطح دو، نرم افزار مكتب شامله، نسخه جديد.
- حفى، عبدالمنعم، (٢٠٠٤م) موسوعه القرآن العظيم، قاهره، مكتبه مدبولى.
- حقى بروسوى، اسماعيل، (بيتا) تفسير روح البيان، بيروت، دارالفكر.
- زمخشري، محمود بن عمر، (١٤٠٧ق) الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دارالكتب العربى.
- سبحانى تبريزى، جعفر، (١٣٧٨ش) الاقسام فى القرآن الكريم، قم، مؤسسه

امام صادق(ع).

- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، (بيتا) بحر العلوم، تحقيق: ابوسعید عمر بن غلامحسن عمروی، بیروت، دارالفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق) الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه مرعشی نجفی.
- شوکانی، محمد بن علی، (۱۴۱۴ق) فتح القدير، دمشق، دار بن کثیر، و بیروت، دارالکلم الطیب.
- طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقيق: محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن، (بيتا) التبیان فی تفسیر القرآن، تحقيق: احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق) کتاب التفسیر، تحقيق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپ خانه علمیه.
- فخرزای، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق) مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فضل الله، محمد حسین، (۱۴۱۹ق) تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة والنشر.
- فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۴۱۵ق) تفسیر الصافی، تحقيق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش) الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- ماتریدی، محمد بن محمد، (۱۴۲۶ق) تأویلات اهل السنه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۶ق) روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.